

مروری بر آویزهای دوماریپیچی مکشوفه از ایران و بین‌النهرین: با تمرکز بر نمونه‌های تپه نوشیجان

حامد حاجیلویی¹

چکیده

آویزهایی موسوم به آویزهای دوماریپیچی در کاوش‌های باستان‌شناسی برخی از محوطه‌های ایران و بین‌النهرین کشف شده است. تاکنون پژوهش مستقلی درباره این گونه آویزها صورت نگرفته است و مروری بر این یافته‌ها در پژوهش حاضر از لحاظ جنس، تاریخ‌گذاری، کاربرد و پراکندگی محل کشف آنها در دو حوزه جغرافیایی مذکور می‌تواند در روند مطالعات تطبیقی-مقایسه‌ای، گاهنگاری و گونه‌شناسی آبی در این باره و مطالعات تبادلات فرهنگی و تجاری میان ایران و بین‌النهرین به‌ویژه در زمینه هنر فلزکاری تأثیرگذار باشد. اطلاعات مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای گردآوری و سپس به روش توصیفی-تحلیلی پردازش شده است. محل کشف این آویزها، تپه نوشیجان ملایر، لایه‌های II و III تپه حصار دامغان، لایه II تورنگ تپه گرگان، تپه گیان نهاوند و منطقه لرستان در ایران و لایه XI تپه گوره، تل براك، گورستان سلطنتی اور و گور شماره ۴۵ آشور در بین‌النهرین است. نمونه‌هایی نیز در موزه‌های سین سیناتی و بریتانیا نگهداری می‌شود که محل کشف آنها مبهم است. آویزهای دوماریپیچی مکشوفه از محوطه‌های یادشده از جنس طلا، نقره و مس بوده و متعلق به محدوده زمانی اوایل هزاره چهارم تا اوایل هزاره اول پم است. به نظر می‌رسد این اشیا کاربرد آیینی و مذهبی داشته و به‌عنوان تعویذ به‌کار می‌رفته است.

واژه‌های کلیدی: آویز دوماریپیچی، تپه نوشیجان، تپه حصار، تپه گوره، آشور، بین‌النهرین باستان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران. h.hajilooei@art.basu.ac.ir
مشخصات مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۹ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱
استناد: حاجیلویی، حامد. (۱۴۰۱). "مروری بر آویزهای دوماریپیچی مکشوفه از ایران و بین‌النهرین: با تمرکز بر نمونه‌های تپه نوشیجان". پژوهشنامه ایران باستان، سال ۱، شماره ۴: ۹۳-۱۰۵.

درآمد

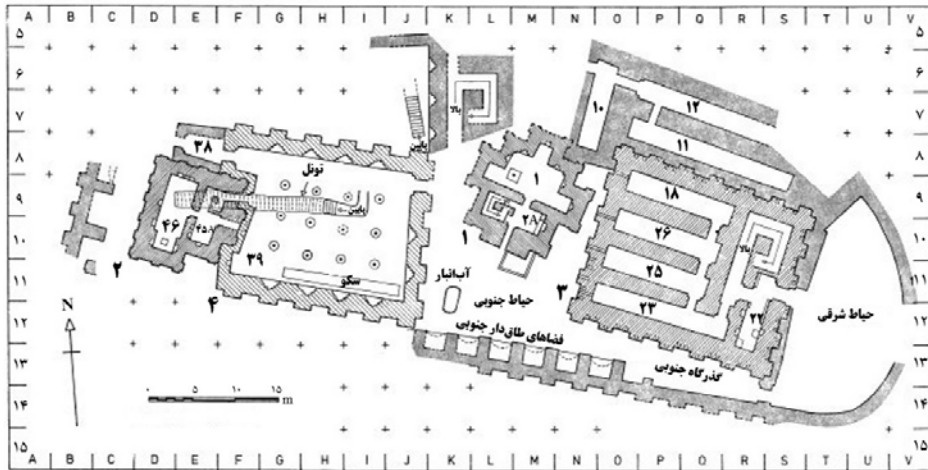
آویزهای موسوم به آویزهای دومارپیچی از برخی محوطه‌های دو حوزه جغرافیایی ایران و بین‌النهرین کشف شده است. این گونه آویزها از جنس طلا، نقره یا مس بوده و متفاوت با یکدیگر تاریخ‌گذاری شده است. نظراتی درباره کاربرد آنها ارائه شده است که اختلاف نظرهایی در این ارتباط وجود دارد. تاکنون پژوهش مستقلی درباره آویزهای دومارپیچی انجام نشده است تا بتواند در جهت انجام پژوهش‌های دیگری در این باره از نوع مطالعات تطبیقی، گاهنگاری یا گونه‌شناسی راه‌گشا باشد. علاوه بر این موضوع، از آنجاکه این آویزها در نقاطی از ایران و بین‌النهرین در قالب مجموعه‌ای از اشیاء مانند گنجینه یا به صورت تک‌یافته در یک لایه فرهنگی به‌دست آمده است، انجام مطالعات مختلف روی آنها می‌تواند در مطالعات لایه‌نگاری محل کشف آنها و افزایش دانسته‌های باستان‌شناسان درباره تبادلات فرهنگی و هنری میان دو حوزه جغرافیایی یادشده تأثیر مثبت داشته باشد. از این‌رو، مرور جزئیاتی در ارتباط با این اشیاء فلزی شامل جنس، تاریخ‌گذاری، کاربرد و پراکندگی محل کشف آنها در ایران و بین‌النهرین در قالب پژوهش حاضر مفید به‌فایده خواهد بود. از میان محوطه‌هایی که آویزهای دومارپیچی از آنها کشف شده است، وجود چهار نمونه از این آویزها در گنجینه نقره‌ای مکشوفه از تپه نوشیجان ملایر در مقایسه با آویزهای به‌دست‌آمده از سایر محوطه‌های حوزه جغرافیایی مذکور که به‌صورت تک‌یافته است، ما را بر این داشته که تمرکز پژوهش خود را بر نمونه‌های تپه نوشیجان استوار کنیم.

پیشینه پژوهش

توصیف آویزهای دومارپیچی به‌دست‌آمده از

محوطه‌های ایران و بین‌النهرین در گزارش کاوش هر یک از محوطه‌ها و انتشارات حاصل از آنها آمده است. آویزهای دومارپیچی گنجینه نقره‌ای تپه نوشیجان در گزارش‌های مقدماتی کاوش محوطه توسط استروناخ، کاوشگر تپه، توصیف شده است (Stronach, 1968; 1969). اما اهمیت تپه نوشیجان باعث شده است که مطالعات بیشتری درباره این گنجینه در قیاس با اشیاء سایر محوطه‌های مذکور انجام شود. کرتیس، توصیفی از اشیاء این گنجینه در کنار سایر اشیاء مکشوفه از استقرار مادی نوشیجان در قالب کتابی منتشر کرده است (Curtis, 1984؛ کرتیس، ۱۳۹۳). او در مقاله‌ای درباره فلزات مکشوفه از تپه نوشیجان و غرب ایران در پایان عصر آهن III (Curtis, 2005) و در کتابی درباره ایران باستان به این اشیاء اشاره کرده است (Curtis, 1989). هوقس در تجزیه و تحلیل اشیاء نقره‌ای موزه بریتانیا به اشیاء گنجینه نوشیجان که در این موزه نگهداری می‌شود، اشاره کرده است (Hughes, 1984). اودی نیز در کتاب خود به ارائه مطالبی در ارتباط با زیورآلات نقره‌ای نوشیجان پرداخته است (Oddy, 1984). وارگیس هم گنجینه یادشده را به لحاظ کاربری مطالعه کرده است (Vargyas, 2008).

آویزهای دومارپیچی مکشوفه از سایر محوطه‌های ایران و بین‌النهرین در قالب انتشاراتی معرفی شده است. گزارش کاوش‌های تپه حصار دامغان (Schmidt, 1933a; Schmidt, 1933b) در فلات ایران و تپه گوره^۱ (Tobler, 1950) در کردستان عراق حاوی توصیفات آویزهای مکشوفه از هر یک است. توصیف کوتاهی از تنها آویز دومارپیچی مکشوفه از تلّ براک توسط برادران اوتس ارائه شده است (Oates, D & Oates, J., 1993). علاوه بر موزه بریتانیا، موزه‌هایی که چنین



شکل ۱. مجموعه بقایای معماری استقرار اصلی مادی نوشیجان؛ ۱) معبد مرکزی، ۲) معبد غربی قدیمی، ۳) قلعه (مجموعه انبارها) و ۴) تالار ستون‌دار اصلی (Stronach et al., 1978: 2).

دست‌بند، شمش و قطعات متفرقه دیگر است که درون یک کاسه مفرغی (MMA 69.24.13)^۲ قرار داشته است و در بنای قلعه (مجموعه انبارها) در گوشه جنوب شرقی یکی از راهروها (فضای شماره ۲۴) به صورت آگاهانه پنهان شده بود (کرتیس، ۱۳۹۳: ۲) (شکل ۲).

به‌طورکلی، حجم اشیاء به‌دست‌آمده از تپه نوشیجان در مقایسه با کاربرد و اهمیت آنها اندک است که علت این موضوع، ترک مسالمت‌آمیز محوطه و وجود زمان کافی جهت انتقال اشیا به مکان دیگر است (ملازاده، ۱۳۹۳: ۱۵۴).

با این حال، گنجینه‌ای از اشیاء نقره‌ای درون یک کاسه مفرغی در بنای قلعه به‌دست آمده است. استروناخ عقیده دارد این گنجینه به‌احتمال بخشی از اموال مستعمل یک نقره‌کار است و به‌نظر می‌رسد پس از کاربری اصلی قلعه و پیش از پایان حیات استقرار فرعی ماد در بنای یادشده پنهان شده است (کرتیس، ۱۳۹۳: ۲). خشت شکسته‌ای که روی آن بوده است نیز از خشت‌های آواری روی کف بوده است (Stronach, 1969: ۱)

آویزهایی در آنها نگهداری می‌شود، اطلاعاتی در این باره منتشر کرده‌اند. نمونه‌های مکشوفه از آشور در موزه آسیایی^۱ (Harper et al., 1995) شامل موارد مذکور است. مطالعاتی نیز به‌صورت کلی در ارتباط با این گونه آویزها انجام شده است. هنری فرانکفورت بُعد کاربردی آویزهای دوماریپیچی را در یادداشتی بررسی کرده است (Frankfort, 1944). مکسول-هیسلوپ در کتاب خود، جواهرات به‌دست‌آمده از منطقه غرب آسیا را که متعلق به بازه زمانی سال‌های ۳۰۰۰-۶۱۲ پم است، مطالعه و به این آویزها نیز اشاره کرده است (Maxwell-Hyslop, 1971).

آویزهای دوماریپیچی مکشوفه از ایران تپه نوشیجان ملایر

گنجینه نقره‌ای تپه نوشیجان در میان بقایای معماری این محوطه در اواخر کاوش سال ۱۹۶۷ میلادی کشف شده است (شکل ۱). این گنجینه شامل ۲۳۱ قطعه نقره‌ای از قبیل آویز دوماریپیچی و چهارماریپیچی، حلقه ماریپیچی، مهره، گوشواره،

1 Vorderasiatisches Museum

2 Metropolitan Museum of Art, New York



تصویر ۱. شکل ۲. کاسه مفرغی و اشیاء نقره‌ای درون آن (کرتیس، ۱۳۹۳: ۱۶۹، لوح ۱).

استروناخ در ارتباط با کاربری گنجینه، پیشتر احتمال داده بود که محتویات درون کاسه مفرغی، گنجینه پولی بوده است (Stronach, 1969: 16). بیوار، این مجموعه را در ابراز عقیده‌ای مشابه، گنجینه‌ای از شمش‌ها یا ابزار پولی دانسته است (Bivar, 1971: 97-III). وارگیس نیز این نظر را تأیید کرده است (Vargyas, 2008: 167). براساس مطالعات انجام‌شده روی این گنجینه می‌توان این مجموعه را «گنجینه سگه‌مانند» نامید (ملازاده، ۱۳۹۳: ۱۶۴). استفاده گسترده از فلز نقره به‌عنوان ابزار مبادله‌ای، کشف گنجینه‌های مشابه و وجود استانداردهای خاص در اوزان و مقادیر شمش‌ها و قطعات دیگر، دلایل صحت این نظریه است (ملازاده، ۱۳۹۳: ۱۶۲). منابع دوره آشور جدید نیز نشان می‌دهد که مس در سده ۸ پم نقش ابزار پولی استاندارد را داشته ولی نقره در سده ۷ پم جایگزین آن شده است (Postgate, 1973: 25). منابع بابل جدید نیز نشان از انجام پرداخت‌ها با نقره دارد (San Nicolo & Ungand, 1935). همچنین، الواح خزانه تخت جمشید در این ارتباط بیانگر پرداخت بخشی از دستمزدها با نقره است (مکوندی، ۱۳۸۹: ۱۳۶).

چهار آویز دوماریچی نوشیجان دارای یک حلقه لوله‌ای شکل در بخش فوقانی به‌منظور

۱۵). به‌نظر می‌رسد که استقرار اصلی ماد در این محوطه در حدود سال ۶۵۰ پم به پایان رسیده است (Stronach et al., 1978: 10-11) و استقرار فرعی این دوره نیز در حدود سال ۵۷۵ پم به پایان رسیده است (کرتیس، ۱۳۹۳: ۲). بنابراین، گنجینه در محدوده زمانی سال‌های ۶۵۰-۵۷۵ پم پنهان شده است.

استروناخ، نظریه خود را مبنی بر تعلق این اشیاء به یک نقره‌کار، با اشاره به این موضوع که هر گنجینه‌ای به‌دلیل ارزش ذاتی خود اندوخته شود، به‌طور قطع شامل اشیاء ارزشمند دیگری از جنس طلا یا انواع عقیق است، ارائه کرده است (Stronach, 1969: 16). کرتیس، دلایلی دال بر ردّ نظریه استروناخ مطرح کرده است. او با توجه به نمونه‌های مشابه در خاور نزدیک، نمونه‌های نوشیجان را مربوط به اواخر هزاره سوم تا اوایل هزاره دوم پیش از میلاد دانسته است (Curtis, 2005: 234). یکی از دلایل او این است که اگر تاریخ پیشنهادی اش درباره آویزهای دوماریچی صحیح باشد، گنجینه نمی‌تواند مربوط به نقره‌کار سده ۷ پم باشد و دلیل دیگری که بیان کرده است، فقدان هر گونه ابزار فلزکاری در گنجینه و عدم کشف مدرکی مبنی بر فعالیت استاد نقره‌کار در محوطه است (کرتیس، ۱۳۹۳: ۳۵-۳۶).



شکل ۳. آویز دوماریپیچی مکشوفه از تپه نوشیجان (Stronach, 1969: Pl. VIII b, top).

۱۴). اشمیت، حصار III را به نیمه اول هزاره دوم نسبت داده است (Schmidt, 1933 b: 139). احتمال می‌رود لایه IIIB تپه حصار به صورت تقریبی با سلسله‌های قدیم بین‌النهرین و لایه IIIC آن با دوره اکد/اور سوم با تاریخ پایانی ۱۸۶۵-۱۸۴۱ پم همزمان باشد (Bovington et al., 1974: 198).

آویزهای دوماریپیچی مکشوفه از تپه حصار از دوره II و III آن کشف شده است. مکسول-هیسلوپ نیز براساس تشابه میان آثار فلزی و سفالی تپه حصار و تورنگ‌تپه با یکدیگر، آویزهای دوماریپیچی لایه‌های IIIB و IIIC حصار را به سال‌های پس از ۲۰۰۰ پم و به طور دقیق، به ۲۰۰۰-۱۵۰۰ پم مربوط دانسته است (Maxwell-Hyslop, 1953: 77). گونه‌ای از آویزها از لایه IIIB به دست آمده است. این گروه از یک مفتول واحد از جنس مس ساخته شده است. طرح قسمت میانی نمونه‌های مذکور به شکل اُمگا بوده که به جهت آویختن تعبیه شده است. این نمونه‌ها در میان موارد شناسایی شده از آویزهای دوماریپیچی در ایران و بین‌النهرین، بیش از سایر نمونه‌ها متداول است. مشابه آنها از قفقاز و منطقه لرستان به دست آمده است (Gordon, 1951: 54).

سایر محوطه‌ها

اطلاعات زیادی درباره آویزهای دوماریپیچی مکشوفه از تورنگ‌تپه گرگان، تپه گیان نهاوند و منطقه لرستان منتشر نشده و در پژوهش حاضر

آویختن است و به عنوان گردنبند استفاده می‌شده است که شامل دو مفتول بوده که به یکدیگر پیچیده و هر کدام به یک مهره ماریپیچی تبدیل شده است. عرض آویزها ۴/۳۸-۵ سانتی‌متر بوده و هر یک از آنها به روش چکش‌کاری ساخته شده است. آویزها به احتمال با کشیدن در ماسه صیقل داده شده است. به نظر می‌رسد هر یک از آنها از یک قطعه فلز واحد جدا شده است، زیرا شکاف و نقطه اتصالی در حلقه لوله‌ای شکل به چشم نمی‌خورد (کرتیس، ۱۳۹۳: ۴). یکی از آویزها به عرض ۵ سانتی‌متر و ارتفاع کلی ۲/۸ سانتی‌متر است (Stronach, 1969: Pl. VIII b). نمونه‌ای دیگر به عرض ۴/۳۸ و ارتفاع کلی ۲/۳۲ سانتی‌متر و وزن ۸/۱ گرم است (Stronach, 1968: 182, Fig. 7, top Ibid: Fig. 7). ارتفاع کلی ۳ سانتی‌متر (۵/۲ bottom) و نمونه‌ای نیز به عرض ۴/۵ سانتی‌متر است (کرتیس، ۱۳۹۳: ۴) (شکل ۳).

تپه حصار دامغان

لایه‌نگاری تپه حصار دامغان شامل هشت فاز در قالب سه دوره فرهنگی است که از هزاره پنجم تا هزاره دوم پم را در برمی‌گیرد (طلایی، ۱۳۹۱: ۵۸). فازهای IA و IB و بخشی از دوره II، فرهنگ عصر مس سنگی را نشان می‌دهد (همان: ۱۳۴). لایه IIA مدارای آثاری متعلق به اوایل هزاره سوم پم در دوره عصر مفرغ قدیم است (همان: ۱۱۴-۱۱۵). لایه IIB نیز مربوط به سال‌های ۳۴۰۰-۳۰۰۰ پم است (Kyle & Christopher, 2021:).

(British Museum ©) (شکل ۴). عرض نمونه‌های اور ۱/۶-۲/۲۷ سانتی متر است. هر سه مورد از یک مفتول ساخته شده و برخی دارای یک حفره و بعضی دارای دو حفره روی یک‌دیگر در بخش فوقانی است. این نمونه‌ها نسبت به نمونه‌های نوشیجان کوچک‌تر است و از لحاظ شکل با آنها تفاوت دارد (کرتیس، ۱۳۹۳: ۵).

تپه گوره

یک آویز دوماپیچی از تپه گوره در نزدیکی شهر اربیل کشف شده است. این آویز مسی از لایه XI این محوطه در قبر شماره G36-135 به دست آمده است (Tobler, 1950: 93, Table F). این قبر دارای دو فضا به ارتفاع ۱۹ و عرض ۱۳ سانتی متر است (Tobler, 1950: 230). آویزهای مکشوفه در بخش فوقانی دارای یک حفره منفرد جهت آویختن است که امکان دارد شی‌ای تزئینی، هدیه‌ای به شخص متوفی یا وسیله‌ای با کاربری روزمره مربوط به متوفی باشد (Ibid: 79). توبلر نیز به دشواری تشخیص کاربری زینتی یا آیینی چنین اشیایی اشاره کرده است (Ibid: 192). این نمونه مربوط به اوایل دوره اوروک (اوایل هزاره چهارم پم) است (کرتیس، ۱۳۹۳: ۴).

آشور

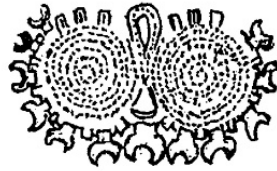
اشیاء گرانبهایی از قبر شماره ۴۵ در آشور کشف شده است. بخشی از اشیاء از جنس طلا و سنگ‌های نیمه‌قیمتی است. با توجه به عدم وجود جنگ‌افزار و عدم انجام مطالعات استخوان‌شناسی به نظر می‌رسد اسکلت برجای مانده متعلق به یک

به مطالب اندک منتشرشده درباره آنها بسنده شده است. آویزهای دوماپیچی مکشوفه از تورنگ‌تپه از دوره II آن به دست آمده است (Deshayes, 1969: 14). کاوشگر این محوطه، این لایه را با لایه‌های IIA-IC تپه حصار همزمان دانسته است (کرتیس، ۱۳۹۳: ۵). همان‌طور که اشاره شد، آثار فلزی و سفالی مکشوفه از دو محوطه یادشده مشابه یکدیگر است (Maxwell-Hyslop, 1953: 77). بنا بر اطلاعات موجود از تپه گیان، اغلب آویزهای مکشوفه از این محوطه از جنس نقره و تعداد کمی نیز مسی بوده و به نمونه‌های اروپایی نزدیک‌تر است. آویزهای دوماپیچی مشابه این نمونه‌ها در عصر مفرغ از هلند، راینلند، مکلنبرگ^۱، دانمارک، جوتلند^۲، سودرمنلند^۳، لهستان، سیلسیا^۴، بوهمیا^۵، هالستات^۶ و ایتالیا کشف شده و در منطقه قفقاز (کوبان) با تاریخی متأخرتر نیز کاوش شده است (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۱۵۹). نمونه به دست آمده از منطقه لرستان متعلق به سال‌های پیش از ۳۰۰۰ پم و از جنس مس است (British Museum ©).

آویزهای دوماپیچی مکشوفه از بین‌النهرین گورستان سلطنتی اور

دو آویز دوماپیچی از جنس طلا از گورستان سلطنتی اور در جنوب بین‌النهرین به دست آمده است. آویز دیگری از جنس نقره نیز از همین شهر ثبت و ضبط شده است، اما محل دقیق کشف آن در شهر مشخص نیست (Mallowan, 1947: 173). قدمت این آویزها به سلسله قدیم III، یعنی سال‌های ۲۶۰۰-۲۵۰۰ پم بازمی‌گردد

- 1 Schaeffer
- 2 Mecklenburg
- 3 Jutland
- 4 Sodermanland
- 5 Silesia
- 6 Bohemia
- 7 Hallstatt



شکل ۴. آویز دوماریپیچی مکشوفه از اور-عراق (BM, nos. 118601) و شکل ۵. آویز دوماریپیچی مکشوفه از قبر شماره ۴۵، آشور، متعلق به دوره آشور میانی (۱۴۰۰-۹۱۲ پم) (Harper et al., 1995: 93).
شکل ۶. گردن‌بند مکشوفه از تلّ براك با یک آویز دوماریپیچی (Oates, D. & Oates, J., 1993: 167).

چهارماریپیچی است (Oates, D. & Oates, J., 1993: 185). این گردن‌بند به همراه اشیاء ارزشمند دیگری از حیاط معبد به دست آمده است که به عنوان هدیه‌های آیینی به معبد اهدا شده بود (Ibid: 166).

محلّ کشف، تاریخ‌گذاری، جنس و کاربرد آویزهای دوماریپیچی مکشوفه از ایران و بین‌النهرین در جدول ۱ و موقعیت جغرافیایی محلّ کشف آن‌ها در شکل ۷ آمده است؛

کاربرد آویزهای دوماریپیچی

اهمیت آویزهای دوماریپیچی بنا بر اعتقاد مردمان دوران باستان در کاربرد جادویی آن در امر باروری است که در بین‌النهرین به عنوان یک نماد الهی، اغلب همراه با الهه مادر استفاده شده است و به نظر می‌رسد نخستین ظهور آن روی مُهری متعلق به سلسله سوّم اور باشد (Maxwell-Hyslop, 1953: 78). سپس، این نماد در بابل نمود یافته است و این موضوع نشان می‌دهد این نقشمایه، مفهومی جادویی در بین‌النهرین داشته است و ایرانیان آن را ابداع نکرده‌اند (Ibid).

آویزهای دوماریپیچی با حلقه‌ای به شکل امگا در مقایسه با دیگر شکل‌های آویزها استفاده گسترده‌تری دارد. همان‌طور که اشاره شد، چنین نمونه‌هایی از تپّه حصار III، تپّه گیان و منطقه قفقاز کشف شده است. انتهای فوقانی در برخی

زن باشد (Harper et al., 1995: 81-82). گروهی از این اشیاء، آویزهای دوماریپیچی است که از جنس طلا بوده و دارای تزییناتی آویز به بخش دوماریپیچی خود است. بخش میانی نمونه شماره ۱۰ از جدول ۱ به صورت امگاشکل است که میزان زاویه آن به حدّی است که با توجه به جنس آن به احتمال آویز می‌شده است. تزیینات پیرامون بخش دوماریپیچی آن نیز به صورت حلقه‌هایی به شکل بیضی است. نمونه شماره ۹ از جدول ۱ در تمامی جزئیات مذکور به استثناء تزیینات اطراف بخش دوماریپیچی مشابه مورد پیشین است. تزیینات این نمونه به صورت قطعاتی است که نشان‌دهنده هلال ماه است که به نظر می‌رسد مربوط به خدای ماه (سین) در بین‌النهرین باستان باشد (Harper et al., 1995: 93) (شکل ۵).

تلّ براك

تلّ براك در شمال بین‌النهرین و شمال شرقی سوریه امروزی در منطقه خابور علیا قرار دارد (Matthews et al., 1994: 177). گردن‌بندی از این محوطه متعلق به دوره اکد (۲۵۰۰-۲۳۰۰ پم)، عصر مفرغ، کشف شده است که به طول ۱۹/۵ سانتی‌متر بوده و از ۱۴۱ مهره تشکیل شده است (شکل ۶). ۵ مهره این گردن‌بند به شکل ماریپیچی و از جنس طلا است. یکی از این مهره‌ها به صورت دوماریپیچی و چهار مهره دیگر

تحلیل






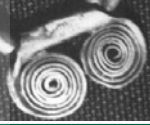


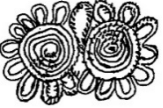

حوزه پراکنش آویزهای دومارپیچی از اروپای غربی تا هند است. آویزهای مکشوفه از محوطه حصار با نمونه‌های آلیشر در آناتولی (Gordon, 1951: 53, fig. 3, 22-24)، راجتاگالیاس در قفقاز و منطقه لرستان در ایران ارتباط دارد که نمونه‌های به‌دست‌آمده در محوطه‌های مذکور حدود سال‌های ۱۹۰۰-۱۷۰۰ پم تاریخ‌گذاری شده است (Ibid: 59). با تاریخ‌گذاری دقیق و مطالعات بیشتر در راستای مشابهت‌های مذکور می‌توان بخشی از ارتباط فرهنگی میان ایران، قفقاز و آناتولی در عصر مفرغ میانی را مشخص کرد (Ibid: 54). چنین اشیایی در حدود سال ۲۵۵۰ پم از بخش‌های شمالی بین‌النهرین به آذربایجان و ارمنستان و در حدود سال‌های ۲۰۰۰-۱۸۰۰ پم از مرزهای شمال غربی وارد ایران شده است. مشابه این زیورآلات در یک مجسمه مفرغی در فینیکیه نیز مشاهده می‌شود که متعلق به سده سیزدهم پم است (Maxwell-Hyslop, 1953: 77). یک عبارت به شکل سوزن‌هایی با انتهای دومارپیچی در خط هیروگلیف وجود دارد که می‌تواند قابل توجه باشد (Arkell, 1937: 154). تزیینات دومارپیچی به‌عنوان تعویذ در ماوراءقفقاز نیز کاربرد داشته و به‌نظر می‌رسد از مسیرهای دریایی به تروا (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۱۵۸، شکل ۲۷۳) و جزیره گارگانو منتقل شده است که در قبور گورستان‌های پیکنوم کشف شده است (Maxwell-Hyslop, 1953: 78). رواج استفاده از آویزهای دومارپیچی در اواسط هزاره سوم پیش از میلاد در آناتولی مرکزی و غربی (تروا) تأیید شده است. نقشمایه‌های دومارپیچی در منطقه اژه حدّ اقل در نیمه دوم هزاره سوم پیش از میلاد ظهور یافته است. نمونه‌های دیگری در منطقه دانوب،

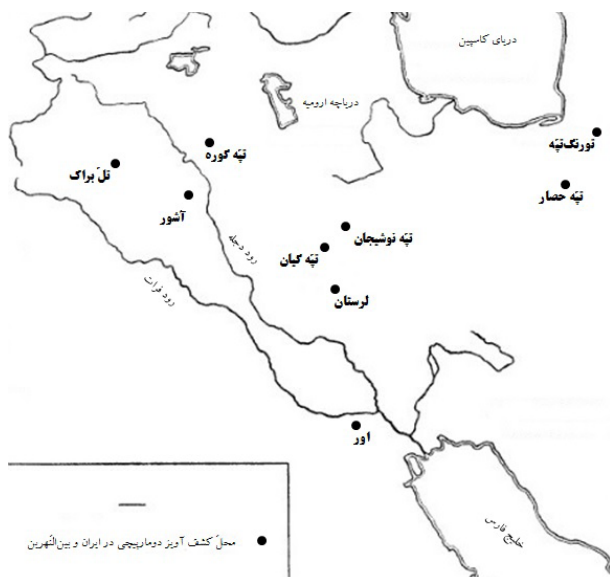
از آنها به سمت جلو خم شده و حالت قلاب دارد (کرتیس، ۱۳۹۳، ۵). این گونه آویزها در بین‌النهرین به‌عنوان نماد الهه مادر، نین‌خورسگ^۱ که نینتو^۲ و الهه تولد نیز نامیده می‌شود، مطرح بوده است. نقش مشابه شکل ظاهری این آویزها بر یک نمونه نقش برجسته بین‌النهرینی بر قطعه سنگی با نماد چهار خدای آنو، انلیل، ایا و نین‌خورسگ نیز آمده است. چنین نقشی را بر مهرهایی مکشوفه از تلّ براک نیز می‌توان مشاهده کرد (Mallowan, 1947: 171). زنان مصری طی دوران حاملگی، قفلی را جهت دفع خطرات ناشی از زایمان به خود متصل کرده و در نزدیکی زمان زایمان، آن را باز می‌کنند. همچنین در دوران طفولیت فرزند نیز به لباس او بسته می‌شود (Frankfort, 1944: 198). ممکن است یک آویز دومارپیچی با حلقه‌ای به شکل امگا نیز به قفل آویز کنند. در این حالت، انتهای بخش امگاشکل برخی از آویزها بسته یا تنگ است و به قفل آویز می‌شود (Schmidt, 1933 a: Pl. CV, C, H 6). اما، بخش مذکور در نمونه‌های دیگر به حدّی باز است که امکان عدم آویز شدن به برخی قفل‌ها وجود ندارد (Ibid, 1933 b: Pl. CXXI, H 6i8). از طرفی دیگر با توجه به کاربری این گونه آویزها در لباس مادران، تصوّر می‌شود از قفل‌های کوچکی استفاده می‌شده است. بنابراین، به‌احتمال تمامی این نوع آویزها را نمی‌توان به موضوع دفع بلا در دوران بارداری مادران تعمیم داد. کرتیس با توجه به کشف قالبی از کویونجیک که به‌منظور ساخت آویزهای حلقه‌دار مشابه استفاده می‌شده است و دارای بخشی برای ساخت پلاک‌های طلسم است، احتمال تأیید فرضیه فرانکفورت دالّ بر استفاده از این آویزها با هدف دفع ارواح شریر طی دوره بارداری را ممکن می‌داند (کرتیس، ۱۳۹۳: ۵).

1 Ninhursaga

2 Nintu

جدول ۱. جزئیات آویزهای دوماریچی مکشوفه از ایران و بین‌النهرین.

ارجاع	کاربرد	جنس	تاریخ‌گذاری	محل کشف	شکل	شماره نمونه
Tobler, 1950, Pl. CVII: 51	آویز زینتی	؟	اوایل هزاره ۴ پم	تپه گوره، لایه XI		۱
Schmidt, 1933 a: Pl. CV, C, H 6	آویز زینتی	مس	۲۴۰۰-۳۶۰۰ پم	تپه حصار، لایه II		۲
BM, nos. 128741	آویز زینتی	مس	پیش از سال ۳۰۰۰ پم	منطقه لرستان		۳
BM, nos. 121426	آویز زینتی	طلا	۲۵۰۰-۲۶۰۰ پم (دوره سلسله قدیم ۳)	گورستان سلطنتی اور		۴
BM, nos. 122431	آویز زینتی	طلا	۲۳۵۰-۲۶۰۰ پم (دوره سلسله قدیم ۳)	گورستان سلطنتی اور		۵
Oates, D. & Oates, J., 1993: 167	آویز زینتی	طلا	۲۳۰۰-۲۵۰۰ (دوره اکد)	تل بَراک		۶
Schmidt, 1933 b: Pl. CXXI, H 618	آویز زینتی	مس	۱۶۰۰-۲۴۰۰ پم	تپه حصار، لایه III		۷
BM ¹⁴ , nos. 135077; Stronach, 1968: 182, fig. 7, top	آویز زینتی	نقره	اواخر هزاره ۳ و اوایل هزاره ۲ پم	تپه نوشیجان		۸
Harper et al., 1995: 93, fig. 24	آویز زینتی [؟]	طلا	۹۱۲-۱۴۰۰ پم (دوره آشور میانی)	آشور، قبر شماره ۴۵		۹
Harper et al., 1995: 93, fig. 24	آویز زینتی [؟]	طلا	۹۱۲-۱۴۰۰ پم (دوره آشور میانی)	آشور، قبر شماره ۴۵		۱۰



شکل ۷. موقعیت جغرافیایی محل کشف آویزهای دومارپیچی در ایران و بین‌التهرین

مقایسه با آویزهای نوشیجان می‌توان نتیجه گرفت نمونه‌های نوشیجان و حصار با یکدیگر همزمان بوده و هر دو بر مبنای یک سنت کهن ساخته شده است (کرتیس، ۱۳۹۳: ۴-۶). ملازاده در ارتباط با بسیاری از اشیاء کوچک نوشیجان بیان کرده است که: «... در سطح گسترده‌ای (هم از نظر جغرافیایی و هم زمانی) در خاور نزدیک مورد استفاده بوده و فاقد مشخصه قومی یا فرهنگی خاصی است». همچنین، وی دامنه ارتباطات و تأثیرات صورت‌گرفته اقوام مادی را از غرب تا سوریه و فلسطین، از شمال غرب تا اورارتو و از شرق به احتمال تا آسیای میانه دانسته است که قرارگیری نوشیجان در مسیرهای مهم ارتباطی عامل تعیین‌کننده‌ای است (ملازاده، ۱۳۹۳: ۱۷۳ و ۱۷۴).

برآیند

آویزهای دومارپیچی از تپه نوشیجان ملایر، لایه‌های II و III تپه حصار دامغان، لایه II تورنگ‌تپه گرگان، تپه گیان نهاوند و منطقه لرستان در ایران و لایه XI تپه گوره، تل براك، گورستان

مانند نمونه جردنسمول^{۱۳} متعلق به حدود سال ۲۰۰۰ پم به‌دست‌آمده است (Garbini, 1960: 325).

احتمال می‌رود ایران در عصر مفرغ از تأمین‌کنندگان اصلی فلزات در منطقه بوده است (Pigott, 2004: 29). به‌طور تقریبی هم‌زمان با نمونه‌های آناتولی، مواردی از تپه حصار III و مقابر سلطنتی اور به‌دست‌آمده است (Garbini, 1960: 325). آویزهای نقره‌ای و مسی (؟) که از لایه‌های استقرار IIIB و IIIC تپه حصار کاوش شده است، با نمونه‌های نوشیجان قرابت دارد. از این جهت که در بخش فوقانی خود دارای حلقه‌ای لوله‌ای شکل است. آویزهای دومارپیچی با حلقه لوله‌ای شکل مکشوفه از تپه حصار تنها نمونه‌های دومارپیچی است که با نمونه‌های نوشیجان به‌طور مستقیم قابل مقایسه است. آویزهای دو محوطه یادشده، علاوه بر شکل ظاهری، از لحاظ ساخت و ابعاد نیز قابل قیاس است و به‌نظر می‌رسد تنها تفاوت میان آنها، پیچش ساقه نمونه‌های نوشیجان است که در نمونه‌های حصار به چشم نمی‌خورد. با توجه به تنها نمونه قابل

بالا در زمان خود است. چنین مطلبی درباره نمونه‌های موزهای آشور نیز صادق است. به‌ویژه اینکه نمونه‌های یادشده دارای تزیینات بیشتری مرتبط با بحث مذهب نسبت به موارد مشابه خود دارد. آویز مکشوفه از تپه گوره نیز شکل ظاهری منفردی در میان نمونه‌های مورد بررسی دارد. امّا، تصوّر می‌شود شکل ساده همان آویزهای پیچیده‌تر در محوّطه‌های دیگر است که به‌تدریج شامل الحاقاتی شده است.

سپاسگزاری

آویز نقره‌ای مکشوفه از اور (شکل ۴) (BM, nos. 118601) به‌طور مستقیم در ایجاد ارتباط از طریق پست الکترونیکی با موزه بریتانیا در لندن در اختیار ما قرار داده شده است. به همین جهت از دست‌اندرکاران این موزه در راستای تسهیل انتقال اطلاعات علمی سپاسگزاری می‌کنم.

کتاب‌نامه

مکوندی، لیلا. (۱۳۸۹). «کارکرد مهرها در آرشو باروی تخت جمشید». پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، ۲ و ۴ (۳ و ۵)، ۱۳۵-۱۴۶.

ملازاده، کاظم. (۱۳۹۳). باستان‌شناسی ماد. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.

سلطنتی اور و گور شماره ۴۵ آشور در بین‌النهرین کشف شده است. جنس آنها از طلا، نقره و مس بوده و متعلّق به محدوده زمانی اوایل هزاره چهارم تا اوایل هزاره اول پم است. به‌نظر می‌رسد این اشیاء کاربرد آیینی و مذهبی داشته و به‌عنوان تعویذ به‌کار می‌رفته است. عوامل گوناگونی بر جنس، کاربری و تاریخ‌گذاری آویزهای دوماریچی مکشوفه مؤثر است. در میان نمونه‌های مکشوفه از فلات ایران، آویزهایی با بخش میانی امگاشکل شاخص است که با توجّه به جایگاه اتصال‌شونده و کاربرد روزمره آنها می‌تواند در میان طبقات مختلف اجتماعی کاربرد داشته باشد. جنس آنها نیز به نحوی است که چنین موردی را رد نمی‌کند. نمونه‌های به‌دست‌آمده از گورستان سلطنتی اور بر مبنای محلّ کشف و سنّت قراردادن اشیاء تدفینی در گورها، آن هم در گورستانی سلطنتی و کشف به صورت متّصل به گردنبنده و جنس طلایی آن، نمایان‌گر جایگاه والای آن در میان طبقه اجتماعی

الف) فارسی

طلایی، حسن. (۱۳۹۱). ایران پیش از تاریخ: عصر مس سنگی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.

کرتیس، جان. (۱۳۹۳). نوشیجان ۳: یافته‌های کوچک. ترجمه کاظم ملازاده، همدان: مرکز نشر دانشگاه بوعلی سینا.

ب) نافراری

Arkel, A. J. (1937). "The Double Spiral Amulet". *Sudan Notes and Records*, 20(1), 151-155. <http://www.jstor.org/stable/41716380>.

Bivar, A. D. H. (1971). "A Hoard of Ingot-Currency of the Median Period from Nūsh-i Jān, near Malayir". *Iran*, 9, 97-111. <https://doi.org/10.2307/4300441>.

Bovington, C. H., Dyson, R. H., Mahdavi, A. & Masoumi, R. (1974). "The Radiocarbon Evidence for the Terminal Date of the Hissar III C Culture". *Iran*, 12, 195-199. <https://doi.org/10.2307/4300513>.

Curtis, J. (1984). *Nush-i Jan III: The Small Finds*. London: British Institute of Persian

Studies.

Curtis, J. (1989). *Ancient Persia*. London: BMP.

Curtis, J. (2005). "The Material Culture of Tepe Nush-i Jan and The End of the Iron Age III Period in Western Iran". *Iranica Antiqua*, Vol. XI. 233-248.

Deshayes, J. (1969). "New Evidence for the Indo-Europeans from Tureng Tepe, Iran". *Archaeology*, 22(1), 10-17. <http://www.jstor.org/stable/41667930>.

Frankfort, H. (1944). "A Note on the Lady of Birth". *Journal of Near Eastern Studies*, 3(3), 198-200. <http://www.jstor.org/stable/542918>.

Garbini, G. (1960). "The Phoenician "Goddess" in

- the Louvre". *Orientalia*, 29(3), 323–328. <http://www.jstor.org/stable/43073547>.
- Gordon, D. H. (1951). "The Chronology of the Third Cultural Period at Tepe Hissar". *Iraq*, 13(1), 40–61. <https://doi.org/10.2307/4199538>.
- Harper, P. O., Klengel-Brandt, E., Aruz, J. & Benzel, K. (Editor) (1995). *Assyrian Origins: Discoveries at Ashur on the Tigris: Antiquities in the Vorderasiatisches Museum, Berlin Paperback*. Translation of German texts by Russell Stockman. New York: Metropolitan Museum of Art.
- Hughes, M. J. (1984). *Analyses of silver objects in the British Museum*. London: The British Institute of Persian Studies.
- Kyle, G. O. & Christopher P. T. (2021). "Tureng Tepe, a Bronze Age Centre in North Eastern Iran Revisited". *Iran*, 59(1), 4-35, DOI: 10.1080/05786967.2019.1679034.
- Mallowan, M. E. L. (1947). "Excavations at Brak and Chagar Bazar". *Iraq*, 9, 1-259. <http://www.jstor.org/stable/4199532>.
- Matthews, R. J., Matthews, W. & McDonald, H. (1994). "Excavations at Tell Brak, 1994". *Iraq*, 56, 177–194.
- Maxwell-Hyslop, K. R. (1953). "Bronze Lugged Axe- or Adze Blades from Asia". *Iraq*, 15(1), 69–87. <https://doi.org/10.2307/4199567>.
- Maxwell-Hyslop, K. R. (1971). *Western Asiatic Jewellery c. 3000-612 B.C.*, London.
- Oddy, W. A. (1984). *Silver wire jewellery from Tepe Nush-i Jan*. London: The British Institute of Persian Studies.
- Oates, D. & Oates, J. (1933). "Excavations at Tell Brak 1992-93". *Iraq*, 55(1), 155-199. <http://www.jstor.org/stable/4200375>.
- Pigott, V. C., (2004). "On the Importance of Iran in the Study of Prehistoric Copper-Base Metallurgy", in Stonner, T., Slotka, R., und Vatandost, A. (eds.), *Persien Antike Pracht; Bergbau-Handwerk- Archaeologie, Katalog der Ausstellung das Deutschen Bergbau-Museums Bochum vom 28. November 2004 bis 29. Mai 2005, Band I*, Bochum: Deutsches Bergbau Museum, Pp: 28-43.
- Postgate, J. N. (1973). *The Governor's Palace Archive (Cuneiform Texts from Nimrud II)*. London.
- Rudolph, W. W. (1974). "[Review of Western Asiatic Jewellery c. 3000-612 B. C., by K. R. Maxwell-Hyslop]". *American Journal of Archaeology*, 78(2), 191–192. <https://doi.org/10.2307/502810>.
- SanNicolo, M. & Ungand, A. (1935). *Neubabylonische Rechts- und Verwaltung surkunden I*. Leipzig.
- Schmidt, Erich F. (1933a). "Hissar II". *The Museum Journal XXIII*, no. 4, 366-389. <https://www.penn.museum/sites/journal/9426/>.
- Schmidt, Erich F. (1933b). "Hissar III". *The Museum Journal XXIII*, no. 4, 390-453. <https://www.penn.museum/sites/journal/9435/>.
- Stronach, D. (1968). "Tepe Nush-i Jan: A Mound in Media". *The Metropolitan Museum of Art Bulletin*, 27(3), 177-186. doi:10.2307/3258384.
- Stronach, D. (1969). "Excavations at Tepe Nush-i Jan". 1967, *Iran*, 7, 1–20. <https://doi.org/10.2307/4299610>.
- Stronach, D & Roaf, M. (2007). *Nush-i Jan I: The Major Buildings of the Median Settlement (British Institute of Persian Studies)*. London: Peeters Publishers; Illustrated edition.
- Stronach, D., Roaf, M., Ruth Stronach, & Bökönyi, S. (1978). "Excavations at Tepe Nush-i Jan". *Iran*, 16, 1-28. doi:10.2307/4299646.
- Tobler, A. J. (1950). *Excavations at Tepe Gawra. Vol. II, Levels IX-XX*. Philadelphia: Published for the University Museum by University of Pennsylvania Press.
- Vargyas, P. (2008). "The Silver Hoard from Nush-i Jan Revisited". *Iranica Antiqua*, XLIII, 167-183.
- Website of British Museum (2022): <https://www.britishmuseum.org>.
- Website of Metropolitan Museum (2022): <https://www.metmuseum.org>.



A Review of Double-spiral Pendants Discovered from Iran and Mesopotamia: Focusing on Samples from Nush-i Jan Tepe

Hamed Hajilooei¹ 

Abstract

Pendants known as double-spiral pendants have been discovered in the archaeological excavations of some sites of Iran and Mesopotamia. So far, there has been no independent research on this kind of pendants and a review of these findings in the present research in terms of gender, dating, use and distribution of their discovery in the two geographical basins above-mentioned can be used in the process of comparative studies, chronology and typology in the future. This and the studies of cultural and commercial exchanges between Iran and Mesopotamia are particularly influential in the field of metalworking art. The required information has been collected by library method and then processed by descriptive-analytical method. The sites of discovery of these pendants is Nush-i Jan Tepe in Malayer, layers II and III of Tepe Hissar in Damghan, layer II of Turang Tepe in Gorgan, Tepe Giyan in Nahavand and Lorestan region in Iran and layer XI of Tepe Gawra, Tell Brak, Ur royal cemetery and Assur tomb number 45 in Mesopotamia. There are also samples kept in the museums of Cincinnati and British, the place of their discovery is unclear. The double-spiral pendants discovered from the above-mentioned are made of gold, silver and copper and belong to the time range of the early 4th millennium to the early 1st millennium AD. It seems that these objects had a ritual and religious use and were used as amulets.

Keywords: Double-spiral Pendant, Nush-i-jan Tepe, Tepe Hissar, Tepe Gawra, Assur, Ancient Mesopotamia.

¹ MA of Archaeology, Faculty of Art and Architecture, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran  h.hajilooei@art.basu.ac.ir

Article info: Received: 29 September 2022 | Accepted: 30 November 2022 | Published: 1 January 2023

Citation: Hajilooei, Hamed. (2023). "A Review of Double-spiral Pendants Discovered from Iran and Mesopotamia: Focusing on Samples from Nush-i Jan Tepe". *Ancient Iranian Studies*, Vol. 1 (4): 93-105.

<https://doi.org/10.22034/AIS.2023.380922.1031>